

مقام حضرت مریم در مذهب کاتولیک

(آیات نقل شده از عهد جدید از ترجمه هزاره نو می باشد، مگر در مواردی که ذکر شده)

بسیاری می پرسند: "آیا کاتولیکها حضرت مریم را می پرستند؟" سؤالی است کاملاً بجا، چرا که حالات و رفتار بعضی از کاتولیکها به گونه ای است که چنین توهمی را ایجاد می کند. لذا لازم است روشن سازیم که کاتولیکها نسبت به حضرت مریم چه عقیده ای دارند و نسبت به او دارای چه تکلیفی می باشند.

برای روشن شدن این موضوع، بلافاصله باید بگوییم که پاسخ به سؤال بالا منفی است. کاتولیکها حضرت مریم را نمی پرستند، چرا که او نیز بشر بود. حضرت مریم فقط مورد تکریم قرار می گیرد. اما در این میان، اگر بعضی از کاتولیکها از روی ناآگاهی ارتباطی با او دارند که حالت پرستش را تداعی می کند، این امر ارتباطی به معتقدات رسمی کلیسای کاتولیک ندارد.

کاتولیکها، و نیز ارتودکسها و سایر کلیساهای تاریخی و سنتی (نظیر کلیسای گریگوری ارمنی و کلیسای شرق آشور) مریم را تکریم می کنند و حرمت می دارند. یگانه دعای رسمی و واجب این کلیساها برای حضرت مریم، دعای زیر است:

سلام بر تو ای مریم، سرشار از فیض، خداوند با توست؛
فرخنده هستی تو در میان زنان،
و فرخنده است عیسی، ثمره رحمت تو.
ای مریم مقدس، مادر خدا، دعا کن برای ما گناهکاران،
اکنون، و در ساعت مرگمان. آمین.

این همان دعای معروفی است که در زبان لاتین به "آوه ماریا" (Ave Maria) معروف است،

یعنی "درود بر تو ای مریم!"

مقام حضرت مریم در انجیل

حرمت و تکریم حضرت مریم ریشه در انجیل‌ها دارد.

مهم‌ترین اشاره به حضرت مریم در انجیل لوقا یافت می‌شود. جبرائیل، فرشته خدا، بر مریم ظاهر شد تا مژده بارداری‌اش را به او بدهد. ببینید فرشته چه حرمتی از جانب خدا برای او قائل می‌شود. فرشته گفت: "سلام بر تو، ای که بسیار مورد لطفی. خداوند با تو است... ای مریم، مترس! لطف بسیار خدا شامل حال تو شده است. اینک آبستن شده، پسری خواهی زایید که باید نامش را عیسی بگذاری. او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال خوانده خواهد شد...". مریم در پاسخ به افتخاری که نصیب شده بود، به فرشته گفت: "کنیز خداوندم. آنچه در باره من گفتی، بشود" (لوقا ۱: ۲۸-۳۸)

سپس مریم به دیدار الیزابت، یکی از خویشانش می‌شتابد که به یحیای تعمیددهنده آبستن بود. الیزابت با دیدن مریم، از روح القدس پر شد و او را چنین استقبال کرد و تحیت گفت: "تو در میان زنان خجسته‌ای، و خجسته است ثمره رحم تو! من که باشم که مادر خداوندم نزد من آید؟ چون صدای سلام تو به گوشم رسید، طفل از شادی در رحم من به جست و خیز آمد..." (لوقا ۱: ۴۲-۴۵).

آنگاه مریم تحت الهام روح القدس چنین گفت: "جان من خداوند را می‌ستاید و روحم در نجات‌دهنده‌ام خدا، به وجد می‌آید، زیرا بر حقارت کنیز خود نظر افکنده است. زین پس، همه نسل‌ها خجسته‌ام خواهند خواند..." (لوقا ۱: ۴۶-۴۸).

چنین تحیات و شادبشاهی به هیچیک از مردان و زنان خدا در کتاب مقدس گفته نشده است، نه حتی به موسی، و نه حتی به پولس رسول. طبق گفته فرشته، او بسیار مورد لطف خدا بود. او خواست خدا را بی‌چون و چرا پذیرفت، گرچه این امر برای او می‌رفت که بسیار گران تمام شود. کلیسا از همان آغاز مریم را تکریم می‌کرد چرا که او با اطاعت محض خود از امر خدا، کلیسا را نمونه‌ای گذاشت از اطاعت و فرمانبرداری. او نمونه برین اطاعت از خدا برای همه مسیحیان است. او شایسته است که "تمامی نسل‌ها" او را خجسته و فرخنده بخوانند و از الگوی او پیروی کنند و او را سرمشق خود قرار دهند. در ضمن، می‌بینیم که الیزابت، تحت الهام روح القدس، چه تحیتی به او می‌گوید. او وی را خجسته می‌خواند؛ خود را لایق آن نمی‌بیند که از سوی او مورد بازدید قرار گیرد. و بعد می‌بینیم که مریم در سرودی که حالتی نبوتی دارد، اعلام می‌دارد که "تمامی نسل‌ها" او را خجسته خواهند خواند.

از اینرو است که، طبق شهادت نوشته‌های پدران اولیه کلیسا، تکریم مریم از همان زمان متداول بوده است، چرا که می‌دانستند "همه نسل‌ها باید او را خجسته بخوانند". به همین دلیل، دعای "سلام بر

تو ای مریم“ (آوه ماریا) از دیرباز متداول بوده است. اگر دقت کرده باشید، بخش اول این دعا، تماماً مبتنی است بر آیات انجیل لوقا. بخش دوم نیز چیزی نیست جز درخواست شفاعت و وساطت از حضرت مریم.

پس از ولادت سرور ما عیسی، وقتی والدینش او را به معبد برده بودند تا آیین شریعت را در مورد او به جا آورند، مردی کهنسال به نام شعمون، تحت هدایت و الهام روح القدس، تشخیص داد که این طفل همان مسیح موعود می باشد. پس او را برکت داد و بعد به مریم نیز گفت: ”در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود“ (لوقا ۲: ۳۵؛ ترجمه قدیمی). به این ترتیب، می بینیم که شمعون با حالتی نبوتی، مصائب مسیح را پیشگویی می کند و به نوعی مریم را نیز در آن شریک می بیند. از اینرو است که کلیسا از دیرباز نقش مریم را در نقشه نجات الهی مورد تصدیق قرار داده، او را حرمت می گذارند.

در انجیل یوحنا نیز می بینیم که حضرت مریم جزو معدود کسانی بود که پای صلیب پسرش ایستاده بود. مولای ما عیسی که مادر خود را یکه و تنها می دید، او را به شاگرد محبوب خود یوحنا سپرد و گفت که از این پس او مادر وی خواهد بود و وی پسر او. بدینسان، خداوند عیسی تمثیل وار کلیسا را به مادر خود سپرد. به همین سبب است که کلیسا از زمان های کهن، مریم را مادر کلیسا می خواند. حضرت لوقا نیز همین امر را متذکر می شود آن گاه که مریم را جزو آن ۱۲۰ نفری ذکر می کند که در فاصله زمانی عروج مسیح به آسمان و نزول روح القدس در روز پنطیکاست، همراه با رسولان او و پیروان نزدیکش، در دعا و عبادت شریک بود و کلیسای پسرش را همراهی می کرد. این امر در روزگاری که برای زنان هیچ نقش و ارزش اجتماعی قائل نبودند، بسیار حائز اهمیت است. ذکر نام یک زن در میان نامهای رسولان، حاکی از اهمیت فوق العاده ای است که این زن خجسته داشته است. و به طور کلی، نباید از نظر دور داشت که در آن روزگاری که مرد در ملاء عام حتی با زن خود صحبت نمی کرد، عیسی زنان را به شاگردی خود می پذیرفت و ایشان را جزو مقریین خود مقرر می فرمود.

عقیده ای بسیار کهن

همانگونه که ذکر شد، حرمت و تکریم مریم ارتباطی به کلیسای کاتولیک ندارد و از کهن ترین روزهای تاریخ کلیسا متداول بوده است. به همین دلیل است که طبق شهادت تاریخ، مسیحیان او را ”حامل خدا“ (یا ”مادر خدا“) می نامیدند. نه به این معنی که خدا مادری داشته باشد، بلکه در این معنی که مریم مادر مسیح، ”کلمه خدا“ بود. از آنجا که ”کلمه خدا بود“، مریم ”حامل خدا“ (یا مادر خدا) و

باز طبق شهادت تاریخ، مسیحیان اولیه از دیرباز از شهیدان مسیحی، خصوصاً استیفان، نخستین شهید مسیحی، درخواست شفاعت می‌کردند. گرچه این نکته در عهدجدید نیامده، اما این رسم از یهودیان به مسیحیان منتقل شد و امری پذیرفته‌شده بود. طبعاً حضرت مریم در این خصوص، جایگاه خاص خودش را دارد. چه کس برتر از او می‌تواند نزد خدا برای ما شفاعت کند.

ممکن است برخی بگویند که چطور یک شخص مرده می‌تواند برای ما شفاعت کند. در جواب باید گفت که کلیسا طبق اعتقادنامه رسولان، همواره معتقد به "شراکت مقدسین" بوده است. این نکته به این معنی است که همه مسیحیان، چه آنانی که در جسم زنده‌اند و چه آنانی که جسم را ترک گفته‌اند، همه با هم در "شراکت" و ارتباط قرار دارند (ر.ش. عبرانیان ۱۲:۲۲-۲۴). پس جای تعجب نیست که مسیحیان همواره از روح قدیسین، خصوصاً حضرت مریم، مادر خدا، طلب شفاعت کرده‌اند.

دلیل جایگاه مکرم حضرت مریم

اما نباید از نظر دور داشت که این تکریم و حرمت به حضرت مریم، به‌خاطر وجود خودش نیست. بلکه به این دلیل است که خدا او را از "میان زنان" (لوقا ۱:۴۲) برگزید تا حامل نطفه پسر مقدسش باشد. خدا این زن را از هنگام بسته شدن نطفه‌اش از گناه موروثی آدم و حوا تطهیر کرد (لقاح مطهر حضرت مریم) تا وسیله‌ای باشد شایسته و مقدس تا "پسر خدا" را حمل کند. این افتخار در طول تاریخ نصیب هیچکس نشده بود. به همین جهت است که هم فرشته و هم الیزابت چنین حرمت بر او نهادند و کلیسا نیز این تکریم را همواره به‌جا آورده است.

پس جا دارد که ما نیز او را تکریم کرده، با همه مسیحیان در تمام قرون و اعصار همصدا شده،

بگوییم:

سلام بر تو ای مریم، سرشار از فیض، خداوند با توست؛

فرخنده هستی تو در میان زنان،

و فرخنده است عیسی، ثمره رحمت تو.

ای مریم مقدس، مادر خدا، دعا کن برای ما گناهکاران،

اکنون، و در ساعت مرگمان. آمین.